



به نام آب

سمانه یاوری، اسمر حسنی و سعیده کلانی سه میهمان این شماره صفحه سینمایی ما هستند که هر کدام با یک فیلم جداگانه به مرحله نهایی جشنواره رشد رسیده‌اند. اما نقطه اتصال این سه نفر در این مصاحبه یک ماده حیاتی است: آب. در آستانه فصل گرما فکر می‌کنم حسن ختام خوبی باشد اگر آخرین شماره مصاحبه‌های امسال را به میزگردی تشنگی‌رفع‌کن با حضور یک میهمان افتخاری که از وسط مصاحبه به جمع ما اضافه شد، اختصاص بدهیم!

کشاورزی از آب‌های زمین‌های زه‌کشی شده استفاده کنیم و...
سمانه: جیره‌بندی، باید جیره‌بندی کنیم.
سعیده: نه جیره‌بندی خیلی ظالمانه است.
اسمر: شیوه درست مصرف کردن را آموزش بدهیم.

سمانه: با آب‌پاش هم درختان را آب بدهیم نه با شلنگ!

■ **حالا هر کس از کارهای خودش که کرده و می‌کند و مصداق بارز آب هدر دادن هم هست حرف بزند...**

اسمر: اوه، من درخت‌ها را با شلنگ آب می‌دهم. شلنگ با فشار کم هم نه تازه، با فشار خیلی زیاد.

سمانه: خب، من با لیوان آب مسواک نمی‌زنم. برای شستن حیاط هم که آب زیاد لازم است و برای حمام و... واقعاً من این قدر آب مصرف می‌کنم؟

سعیده: با خواهر کوچک‌ترم آب بازی می‌کنم! اما انصافاً جدیداً کمتر بازی می‌کنیم، شاید چون خواهرم بزرگ شده!

■ **چرا وقتی کسی خودش صرفه‌جویی نمی‌کند، درباره آب فیلم می‌سازد؟**

سعیده: برای اینکه یاد بگیرد خودش هم صرفه‌جویی کند.

سمانه: برای جشنواره!

■ **از آنجا که امسال تعداد کسانی که درباره آب فیلم ساخته‌اند، خیلی خیلی زیاد بود، اولین سؤالی که در ذهن من شکل گرفت این است که: اصلاً چرا آب؟ فقط به خاطر اینکه موضوع روز است؟**

سمانه: موضوع امسال پرسش مهر آب بود. یکی از دریچه‌های ورود بچه‌ها به «جشنواره فیلم رشد» هم مسابقات پرسش مهر بود. احتمالاً برای همین آب زیادی طرف‌دار پیدا کرد.

اسمر: من می‌دیدم مردم زیادی آب را هدر می‌دهند. راستش حتی خودم هم زیر مجموعه آب هدرده‌ها به حساب می‌آیم. اما خب همه این‌ها به کنار، دلیل من هم پرسش مهر بود.

سعیده: ... پرسش مهر!

■ **جدا از اینکه هر کدام از شما ایده‌های خیلی جالبی برای ساخت فیلم‌هایتان داشتید، فکر می‌کنید راه‌های معمولی‌تر برای هدر ندادن آب چیست؟**

سعیده: مثلاً اینکه وقت ظرف شستن و دوش گرفتن کمتر آب را باز بگذاریم، از سیفون کم حجم استفاده کنیم. برای



در حاشیه

همین‌طور در حال حرف زدن با بچه‌ها بودیم و کم‌کم داشتیم به جمع کردن بحث می‌رسیدیم که مادر سعیده با جمله «من با همه این حرف‌ها مخالفم» چشم‌های ما را چهار تا کرد. راستش به قدری جدی مخالف بود که یک لحظه همه ما تصمیم گرفتیم بار و بندیلمان را جمع کنیم و برویم تا می‌شود آب هدر بدهیم!

اما نظر مادر سعیده هم نظر قشنگی بود. ایشان می‌گفتند ۹۷ درصد هدر رفتن آب در ایران به‌خاطر مصارف صنعتی و کشاورزی است و فقط سه درصد سهم مصرف مردم است. تمام نشدن ذخیره‌های آبی تا حد زیادی هم به برنامه‌ریزی مدیران و دولت بستگی دارد.

شاید بد نباشد شما هم اگر سال بعد قرار شد فیلم بسازید، از الان به تحت‌تأثیر قرار دادن مدیران ارشد فکر کنید و به اینکه شاید خودتان هم روزی مدیر شدید!



کارگردان است و عملاً ایده‌هایم را خراب می‌کند!

اسمر: ۱۰ درصد. به‌نظرم بعضی وقت‌ها بقیه در ذهن خودشان می‌خندند. شاید شما بگویید تعارف یا اصلاً دلسوزی است، اما من فکر می‌کنم مسخره‌ام کردند، وگرنه وقتی نظر پرسیدم خب نظر بدهند، نقد کنند، تعریف الکی چرا؟

سمانه: من سعی می‌کنم از هر شخصی نقد بیرون بکشم، اما فکر کنم خجالت می‌کشند، چون کسی نقد نمی‌کند.

اگر از اول بخواهید همین فیلم یا انیمیشن‌ها را بسازید، به نظرتان چه کارهایی لازم است تا نتیجه تأثیرگذارتر از این باشد؟

سعیده: به فیلم‌نامه دست نمی‌زنم، اما با تصاویر بیشتر و تدوین مجدد سعی می‌کنم جلوه‌های دیداری قوی‌تری به کار بدهم. **اسمر:** به جای دوباره وقت گذاشتن روی این کار، یک کار جدید می‌سازم تا تجربه بیشتری داشته باشم.

سمانه: کاری می‌کنم که خودم از اتفاقات فیلم‌نامه راضی باشم. از اول می‌نویسم؛ یک فیلم‌نامه ملموس‌تر با ساخت بهتر. به‌نظر من خود این کار تجربه‌اولیه خوبی بود.

اسمر: متأسفانه با جواب سمانه موافقم! **بین خودمان بماند، من هم آن قدر شیر آب را باز نگه می‌دارم تا گرم شود، اما خب چرا؟ واقعا چرا همه ما این قدر آب را هدر می‌دهیم؟** **سمانه:** که خوش بگذرد.

اسمر: یا مردم بی‌اطلاعند و یا اینکه اهمیت چندانی نمی‌دهند، نمی‌دهیم. **سعیده:** به‌خاطر اینکه سریع به دستمان می‌رسد.

سمانه: بله به‌نظر من هم سهل‌الوصول است.

فیلم و انیمیشن‌هایی که ساخته بودید تأثیرگذار بودند؟! آن قدر که بی‌اطلاعی مردم را درمان کنند؟ **سمانه:** نه بابا، تأثیرگذار که نه...

سعیده: موسیقی فیلم من سنج و دمام داشت و حس عزا را القا می‌کرد. وقتی که القای حسش خوب در آمد، خود به خود فیلم هم تأثیرگذارتر شد.

اسمر: خیلی‌ها گفتند تحت‌تأثیر کار من قرار گرفتند!

فکر می‌کنید چه قدر از تعریف‌هایی که شنیدید، بیشتر تعارف بوده‌اند تا تعریف؟

سعیده: واقعا هیچی. پدر من خودش